

مقاله پژوهشی: تحلیل رویکردهای آمریکا در چهاردهم دهه مقابله با جمهوری اسلامی ایران

۲۰.۱۰۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۲.۱۳.۴۸.۲.۸

کاظم سام دلیری^۱، محمداقبال علی اصغری^۲، علینقی طالبی^۳، محمدرضا دارا^۴، رضاصفیری^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی و تجزیه و تحلیل، رویکردهای ایالات متحده آمریکا در طول چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران است. در این تحقیق ضمن بررسی ابعاد مختلف مسأله ارتباط ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، ماهیت موضوع از منظر هزینه‌های چالش و سازش و همچنین فرصت‌ها و تهدیدات مربوط به ارتباطات بین این دو، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل و تبیین قرار گرفته است، بنابراین از آنجا که این پژوهش در راستای کمک به درک صحیح درخصوص رابطه ایران و آمریکا انجام می‌شود، پژوهشی کاربردی- بنیادی است و از آنجایی که، رویکردهای آمریکا در چهار دهه مقابله با جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌نماید، پژوهش توسعه‌ای است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ایالات متحده آمریکا در قالب بکارگیری سه رویکرد قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند، هر آنچه در توان داشته است را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بکار برده است و شواهد موجود حاکی از این واقعیت است که پس از انقلاب اسلامی ایران، اقدامات آمریکا به دفعات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به خطر انداخته است.

همچنین نتیجه بررسی رویکردهای تقابلی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و مقایسه راهبردهای جمهوری خواهان و دمکرات‌ها، نشان می‌دهد که دشمنی ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، محدود به دولت‌های مختلف و یا به صورت کلی‌تر محدود به جمهوری خواهان یا دمکرات‌ها نیست، بلکه متوجه کلیت نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها: ایران، آمریکا، قدرت سخت، قدرت نرم، قدرت هوشمند

۱- دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲- دانش آموخته مقطع دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی

۳- دانش آموخته مقطع دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی

۴- دانش آموخته مقطع دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) emottagi@ut.ac.ir

۵- دانش آموخته مقطع دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه و بیان مسئله

قبل از جنگ جهانی دوم روابط دو کشور ایران و ایالات متحده آمریکا، عادی و به علت فاصله جغرافیایی از تحرک چندانی برخوردار نبوده است، اما اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم توسط متفقین که ایالات متحده آمریکا یکی از اعضای تشکیل دهنده آن بود، حضور و نفوذ آمریکا در ایران را متحول نمود و روابط دو کشور تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به تدریج گسترده‌تر و پیچیده‌تر شد. کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲، نقطه عطف روابط به سمت سلطه‌ی مستکبرانه و تغییر ساختار اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ایران شد و ۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر ایران چالش گسترده‌ای با مردم و باورهای آنان بود.

انقلاب اسلامی در ایران، آغاز تحول و دگرگونی عمیقی در روابط دو کشور شد. ایران که روزی جزیره‌ی ثبات و بهشت سرمایه‌گذاری و ژاندارم منافع دولت ایالات متحده بود، در یک چالش گسترده با سیاست‌ها و برنامه‌های آن دولت قرار گرفت. وجود ذخایر عظیم نفتی و بازار کالاهای مختلف، موقعیت راهبردی و ژئوراهبردی موجودیت و امنیت و سلطه‌ی رژیم صهیونیستی (متحد راهبردی آن دولت در منطقه) با وقوع انقلاب اسلامی در معرض تهدید قرار گرفت. لذا در ۴۰ سال گذشته، راهبرد سقوط جمهوری اسلامی با روش‌های براندازی از درون، براندازی از بیرون، براندازی از درون و فشار از بیرون و با صرف هزینه‌های قابل ملاحظه و به‌کارگیری دیپلماسی عمومی، استحاله‌ی فرهنگی، جنگ داخلی و خارجی، تحریم اقتصادی، جنگ روانی و تبلیغاتی، چالش‌های مهم بین ایران و آمریکا بوده است. چالش بین ایران و آمریکا در سالیان اخیر وارد مرحله‌ی جدیدی شده است، که تشدید اقدامات و تهدیدات و در چند سال اخیر طرح مسأله‌ی هسته‌ای بر چالش‌های قبلی افزوده است و جنجال‌آفرینی‌ها، اغتشاشات، ایجاد هرج و مرج برای تکمیل و تأثیرگذاری بیشتر تهدیدات امنیتی بر ایران، سازماندهی و اجرا شده است، اما همه‌ی این اقدامات نتیجه‌ی مورد انتظار را برای آمریکا نداشته است. زیرا ملت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با وجود دشواری‌ها و تحمل خسارت‌های سنگین، استقلال، حاکمیت، منافع ملی و ارزش‌های خود را حفظ نموده است.

روند ارتباطات و آنچه بر روابط دو کشور و به‌طور خاص، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گذشته است، از ابعاد متعددی قابل پژوهش و بررسی است. اما آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، چالش‌ها و بررسی رویکردها و اقدامات آمریکا در قبال ایران بعد از وقوع انقلاب اسلامی است. در سیاست خارجی و بین‌المللی هر کشور، نمودهایی از تهدید و ضدیت با مخالفین وجود دارد. این امر در رویکرد واقع‌بینانه نسبت به رفتار دولت‌ها ظهور بیشتری دارد. کسب قدرت و اقتدار در ابعاد متعددی برای به حداکثر رساندن منافع ملی و رقابت با دیگران اصل اساسی در سیاست می‌باشد. چالش‌های امنیتی و منافع ملی، اساسی‌ترین مقوله‌های مورد توجه دولت‌ها است. لذا آمریکا تمامی زمینه‌های تعارض و تهدید را بر ضد رقبا و مخالفینش و به‌ویژه ایران اسلامی دارد. از این رو «سیاست جهانی ایالات متحده آمریکا» در محیط فراگیر نظام جهانی در یک تنش و اصطکاک دائمی است.

میزان تهدیدات بستگی به چالش‌هایی دارد که کشورهای دیگر برای آن ایجاد می‌کنند و اگر این چالش‌ها دارای ماهیت ایدئولوژیک باشند، شدت تهدیدات و روش‌های مقابله با آن جدی‌تر و عمیق‌تر خواهد بود. اگر درگیری و تعارض منافع و سلطه علاوه بر جنبه‌ی ایدئولوژیک، زمینه‌های ژئوراهبردی داشته باشد، آنچنان که در مورد ایران وجود دارد، قطعاً شدت تضاد و چالش در ابعاد مختلف به مراتب بیشتر خواهد شد.

در تعاملات و برخوردهای بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا طیف گسترده‌ای از چالش‌ها و تهدیدات که شامل مؤلفه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی می‌باشد، نقش دارند. جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس تاکنون با چالش‌ها و تنش‌های متعددی از سوی دولت‌های مختلف ایالات متحده آمریکا روبرو بوده است، که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: «ضبط دارایی‌ها و اموال ایران، حمله نظامی به طبرس و انجام چند توطئه براندازی و کودتا در حمایت از ضد انقلاب، حمایت از رژیم صدام حسین در جنگ تحمیلی، تحریم‌های گسترده مالی - پولی و تکنولوژیکی؛ حمله به سکوهای نفتی و هواپیمای مسافربری، حمایت از طالبان علیه ایران، اجرای سیاست مهار دوگانه، قرار دادن ایران در محور شرارت و تصویب بودجه‌های مکرر برای براندازی نظام سیاسی ایران، جنجال‌سازی بر سر برنامه هسته‌ای ایران و استفاده از حربه‌هایی از قبیل حقوق بشر و تروریسم است و اقدامات فوق با ترور علنی و به شهادت رساندن اسطوره و قهرمان ملی ایران و اسلام، سردار سرفراز سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، شدیدتر شد. لذا این موارد نشان می‌دهند که آمریکا در مورد ایران هم از رویکرد اعمال قدرت سخت، هم از رویکرد اعمال قدرت نرم و هم در دوره اوپاما و ترامپ از رویکرد اعمال قدرت هوشمند بهره برده است. بنابر این مسأله‌ی تحقیق، تبیین رویکردهای آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته می‌باشد.

سئوالات فرعی این تحقیق، شامل موارد زیر هستند؛ ایالات متحده آمریکا در طول چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی چه رویکردهایی را برای مقابله با ایران بعد از وقوع انقلاب اسلامی بکار گرفته است؟ هزینه‌های چالش و سازش با آمریکا کدامند؟ ریشه‌های تعارض فکری جمهوری اسلامی ایران و آمریکا چیست؟ ریشه‌های تعارض سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا چیست؟ تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از ایجاد رابطه با آمریکا کدامند؟

فرضیه و جواب احتمالی، به این سؤال این است که در این مدت چندین رویکرد متفاوت برای براندازی یا تغییر حکومت جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا تدارک دیده و به اجرا گذاشته شده است. تحلیل رویکردهای ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد، آمریکا در اجرای رویکردهایش در قبال جمهوری اسلامی ایران از رویکرد بکارگیری قدرت سخت^۱، قدرت نرم^۲ و قدرت هوشمند^۳؛ برای رسیدن به اهدافش استفاده کرده است.

متغیر اصلی، مفهوم قدرت است که با تغییرات خود در طول زمان بر اثر تحولات سیاسی و پیشرفت تکنولوژی، تعیین‌کننده رویکردها و سمت و سوی راهبردهای آمریکا در قبال ایران در طول چهار دهه گذشته بوده است و معلوم می‌شود، که آمریکا با توجه به ظهور و پیشرفت ابزارهایی چون اینترنت، ماهواره، فضای مجازی، دیپلماسی عمومی و وقوع انقلاب اطلاعات، چگونه تلاش داشته و دارد که از این ابزارهای قدرت در مواجهه و مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استفاده نماید.

۱. پیشینه‌شناسی

الف- مقاله علمی پژوهشی با عنوان «ماهیت رویکرد مقابله‌جویانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه (۲۰۱۵-۲۰۰۱)» نوشته آقایان محمد یوسفی جویباری، محمد قربانی گلشن‌آباد و بابک احمدی در سال ۱۳۹۹ فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی می‌باشد. این مقاله به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی ایران بدنبال شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای بر محور گفتمان مقاومت و الگوی اسلام سیاسی انقلاب اسلامی بوده و در مقابل آمریکا، ایران را به عنوان یک چالش ضدژئومونیک تلقی نموده و در نتیجه این امر منجر به افزایش دامنه تقابلات ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در منطقه شده است.

ب- مقاله علمی پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در پرتو فرهنگ راهبردی» نوشته آقایان سهیل گودرزی، احمد سلطانی‌نژاد، مصطفی زهرانی و محسن اسلامی در سال ۱۳۹۶ فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل می‌باشد. این مقاله به این نتیجه رسیده است که تحلیل مناقشه و خصومت دامنه‌دار میان ایران و آمریکا از یک سو مستلزم توجه به ساختارهای مادی قدرت و تضاد ژئوپلتیک میان دو کشور بوده و از سوی دیگر لاجرم می‌باید بر بنیان‌های شناختی و غیرمادی کنش هر یک از دو دولت مذکور متمرکز شود.

ج- مقاله علمی پژوهشی با عنوان «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا» نوشته آقایان یدالله سپهری، مصیب عباسی و سیدحسن حسینی آهنگری در سال ۱۳۹۸ فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی می‌باشد. این مقاله به این نتیجه رسیده است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رؤسای جمهور آمریکا برای مهار انقلاب، از راهبردهای مختلفی بهره بردند. آنها بعد از انقلاب اسلامی همواره از تمام امکانات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی خود در راستای تضعیف این انقلاب و ارزش‌های آن استفاده نموده و تنها زوال روز افزون دولت آمریکا در جهان و تثبیت جایگاه انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی را شاهد بودند.

د- مقاله علمی پژوهشی با عنوان «راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران» نوشته آقایان حسن خداوردی و فرزانه رحمتی در سال ۱۳۹۷ فصلنامه مطالعات سیاسی می‌باشد. این مقاله به این نتیجه رسیده است که رفتار سیاسی آمریکا با توجه به گسترش قدرت و ناکامی در اقدامات سخت افزاری دگرگون شد و از ابزارهایی مانند دیپلماسی و عوامل غیر مادی برای نفوذ و تغییر نظام سیاسی در قبال ایران اتخاذ کرد.

تفاوت و نوآوری این مقاله نسبت به مقاله‌های اشاره شده تحلیل رویکردهای ۴ دهه دولت‌های مختلف امریکا نسبت به ایران بوده و از روش مصاحبه به گویه‌هایی که بیان‌کننده آثار این رویکردها بر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، رسیده است.

۲. مبانی و مفاهیم نظری

۲-۱- قدرت سخت

قدرت سخت عبارتست از «مجموعه‌ای از ابزار و آلات نظامی و زیرساخت‌های اقتصادی و زیربنایی است که هر کشوری برای اجرای سیاست‌های خارجی‌اش بر آنها اتکا می‌کند». به عبارتی بهتر قدرت سخت همان توانایی تاثیرگذاری بر رفتار دیگران به وسیله اعمال زور به منظور کسب نتیجه دلخواه است. تغییر در رفتار دیگران از طریق اجبار تهدید و حتی تطمیع در این چارچوب قابل ارزیابی است. استفاده از این ابزار چنانچه با زمینه سازی مناسب صورت نگیرد به تنفر افکار عمومی از اعمال کننده قدرت منجر می شود. لذا در محافل سیاست خارجی، واژه "قدرت سخت" اشاره به اسلحه و بمب و قدرت نظامی یک کشور دارد (آقابخشی، ۱۳۷۷: ۴۲۳). مشخص ترین شکل قدرت سخت استعمال قوای نظامی است که امروزه استفاده از آن تحت عناوین مشروع، دخالت انسانی یا مداخله به دلایل بشر دوستانه و نجات جان اتباع، دفاع پیشگیرانه و اقدام تلافی جویانه توجیه شده است (همان). ظهور این نوع تهدیدات مربوط به دوره استعمار کهن است که قدرت‌های استعماری با لشکرکشی، اعمال زور و کشتار و اشغال و الحاق سرزمین، اهداف خود را تأمین می‌کردند. البته شکل های مدرن تهدید سخت در عصر حاضر را می توان در لشکرکشی های آمریکا به افغانستان و عراق مشاهده کرد (نائینی، ۱۳۸۶).

۲-۲- قدرت نرم

قدرت نرم به هرگونه اقدام غیرخشونت آمیز، گفته می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود، که با الگوهای رفتاری مورد نظر حاکم تعارض دارد. (نائینی، ۱۳۸۹، ۶-۵). این شیوه از قدرت بر پایه تبدیل تمایلات به برون داده ها شکل می‌گیرد و موضوع آن به جای اجبار، جذابیت است. این شیوه قدرت بر پایه امتناع کردن دیگران برای پیروی یا موافقت با هنجارها و نهادهایی است که رفتار خواسته شده را تولید می‌کنند. این پیروی بیش از هرچیز منوط به درجه متقاعد کنندگی اطلاعات در دسترس و آزادی است، که یک بازیگر در جستجوی آن برای انتقال است (Nye ۲۰۰۴: ۱۵) بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ سیاست‌های راهبردی، زدودن ذهنیت های تاریخی منفی، مبادلات دانشگاهی و سرمایه گذاری در تربیت نخبگان سایر کشورها، فعالیت‌های آموزشی و آگاهی بخشی، برخورداری از اطلاعات زیاد و کارآمد، کسب جایگاه و موقعیت علمی پیشرفته و فنآوری‌های تکنولوژی، توانمندی اقتصادی بالا، مبادلات تجاری و اقتصادی گسترده در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، قدرت نظامی و تسلیحاتی، قدرت شکل دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، ظرفیت پذیرش توریسم و جذب مهاجر خارجی، برخورداری از شبکه های خبری جهان

گستر و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه ای متنوع به دیگرکشورها و ... مهم ترین مصادیق این شکل از قدرت محسوب می شوند. (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۳). این پیچیدگی قدرت نرم به لحاظ طولانی بودن مدت اثر آن از خصایصی است که این نوع قدرت یا تهدید را بسیار متمایز می سازد (شعبانی و هندیانی، ۱۳۸۷: ۳۰۰).

قدرت نرم، همانند سایر اشکال قدرت، برایندی از برخی منابع می باشند. از این رو، اهمیت شناخت و آگاهی از منابع، آن است که این منابع به میزان زیادی تعیین کننده ماهیت آن قدرت می باشند. به نظر نای، قدرت نرم در یک کشور می تواند از سه منبع اصلی "فرهنگ"، "ارزش ها" و "سیاست خارجی" پدید آید. (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸).

۳-۲- قدرت هوشمند

منابع قدرت نرم به هم گرایی با رفتار انتخابی تمایل دارند، در حالی که منابع قدرت سخت به همگرایی با رفتار دستوری تمایل هستند. این دو نوع قدرت در پاره ای از مواقع یکدیگر را تقویت و در شرایطی در کار هم تداخل ایجاد می کنند. در عصر اطلاعات قدرت نه فقط از یک قدرت قوی سخت، بلکه از آمیزه ای از قدرت نرم و سخت هم سو ناشی می شود (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۲).

از آنجایی که این چهره های ژانوسی قدرت به تنهایی کارآیی چندانی ندارند، بازیگران از ترکیب قدرت سخت و نرم بهره می گیرند که در ادبیات سیاسی با عنوان "قدرت هوشمند" شناخته می شود، که امروزه، دارای قدرت هوشمند، برای کشورها نمایانگر یک قدرت ملی موفق است. قدرت هوشمند بعد از تراژدی غروب و شکست های متوالی چهره ژانوسی قدرت (ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری) پا به عرصه ظهور، حداقل در ادبیات سیاسی، گذاشت. سوزان ناسل^۱ در آوریل ۲۰۰۴ در مجله "فارین پالیسی"، کفایت اصطلاح قدرت نرم "جوزف نای"^۲ در مقابله با تهدیدات جدی علیه منافع آمریکا را به چالش کشیده بود. وی مفهوم جدیدی پیشنهاد کرد و آن را "قدرت هوشمند" به معنای ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات علیه امنیت ملی نام نهاد. ناسل معتقد است که توانایی ها و برتری های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن تداوم برتری یک کشور را تضمین کند، البته برخی قدرت جدید را "قدرت همگرا"^۳ می نامند. (پیشین، ۱۴۸) قدرت هوشمند مطرح شده توسط خانم ناسل، برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف در قدرت سخت و نرم می باشد، که معتقد به تقویت و هماهنگی تمام قوا برای تداوم و بهبود برتری آمریکا در جهان است. این سیاست برخود کفایی، بهبود وضع حقوق بشر، تجارت آزاد دولت ها، تساوی در برابر قانون، توسعه همه گیر اقتصادی و غیره تأکید دارد (تولایی، ۱۳۸۷: ۵۵).

۳- ادبیات نظری تحقیق

نقش زمینه های فکری و سیاسی دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در رویکردهای سیاست خارجی آمریکا

تفاوت نگرش و فرهنگ سیاسی دو حزب دموکرات و جمهوری خواه، نقش مهمی در جهت گیری های سیاست

۱- Susan Nassel

۲- Joseph Nye

۳- Converging power

داخلی و خارجی ایالات متحده دارد. در واقع بررسی علل تغییر یا تداوم جهت‌گیری‌های ایالات متحده در برخورد با مسایل جهانی، نیازمند شناسایی وجوه اختلاف و همسانی و نیز علل و عوامل تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری دو حزب دموکرات و جمهوری خواه می‌باشد. در حالی که در حوزه ایدئولوژی به معنای مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهایی که احزاب سیاسی به آن وابسته هستند، تفاوت آشکاری میان دموکرات و جمهوری خواه دیده نمی‌شود، این دو حزب راه‌های متفاوتی را برای دستیابی به اهداف و خواسته‌های خود در پیش می‌گیرند. یکی از علل این موضوع تفاوت در فلسفه فکری و پایگاه اجتماعی آنهاست؛ زیرا فلسفه فکری هر حزب در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و امنیتی نقش مهمی در تعیین پایگاه اجتماعی آن دارد؛ همین هم باعث شکل‌گیری نگرش متفاوت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به مسایل داخلی و خارجی شده است.

باورها و فرهنگ سیاسی دو حزب

دیدگاه امنیتی حزب دموکرات بیشتر معطوف به امنیت داخلی است. بنابراین تمایل آنان برای مداخله نظامی در دیگر کشورها، اغلب کمتر از همتایان جمهوری خواه به نظر می‌رسد. دموکرات‌ها همچنین حامیان حفظ محیط زیست و کنترل اسلحه به شمار می‌آیند که این نوع نگرش نیز باعث جذب زنان و ساکنان شهرها می‌شود؛ کسانی که بیشتر از سایرین نگران امنیت داخلی کشور هستند. بنابراین اغلب هواداران حزب دموکرات، زنان، رنگین‌پوستان، مهاجران، طبقه متوسط و پایین‌تر از متوسط، جوانان، افراد با اعتقادات مذهبی ضعیف و ساکنان کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ هستند. (William, 1998: 189) فلسفه امنیتی جمهوری خواهان بر امنیت در عرصه خارجی متمرکز است. این حزب خطراتی که ایالات متحده را از خارج تهدید می‌کند، بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و بر امنیت مرزها و مهاجرت‌های غیر قانونی تمرکز می‌کند. این نوع نگاه به مسایل امنیتی، زمین‌داران روستایی و کسانی را که بیشتر نگران تهدید امنیت از خارج از مرزها هستند، به حزب جمهوری خواه جذب می‌نماید. در مجموع اغلب هواداران حزب، مردان، تحصیل‌کردگان، طبقه بالا و معتقدان امور مذهبی هستند که در شهرهای کوچک، حومه شهرها و روستاها زندگی می‌کنند، فرهنگ سیاسی نشأت گرفته از این پایگاه اجتماعی، هم بر نگرش و آرمان‌ها و هم نحوه اجرای سیاست‌ها تاثیرگذار است. «جو فریمن» دو تفاوت اساسی را در فرهنگ سیاسی دو حزب برمی‌شمارد. به باور او دو حزب دموکرات و جمهوری خواه، هم در ساختار و هم در نگرش با هم تفاوت دارند. ساختار قدرت در حزب دموکرات از پایین به بالاست؛ به همین علت دموکرات‌ها حتی زمانی که قدرت را در دست دارند، نگرشی انتقادی و اصلاح‌گراانه به مسایل دارند. برعکس، ساختار قدرت در حزب جمهوری خواه از بالا به پایین است، به نحوی که جمهوری خواهان حتی زمانی که در مسند قدرت نیستند، خود را خودی و پاسخگوی ساختار می‌دانند. بنابراین ساختار حزب دموکرات باز و آشتی‌جویانه است، در حالی که ساختار حزب جمهوری خواه بسته و مبتنی بر مقابله است. رهبران حزب جمهوری خواه اغلب قدرت فردی خود را توسعه می‌دهند و مستقل عمل می‌کنند، در حالیکه دموکرات‌ها بیشتر به گروه و حزب خود توجه دارند (Jo Freeman, 1986: 356-327).

سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل از دیدگاه دو حزب

الف- دموکرات‌ها؛ حامی دیپلماسی فعال و اعمال قدرت با اجماع و رضایت بین‌المللی

برآوردها حاکی از آن است که امنیت ملی و تروریسم دل‌مشغولی اصلی آمریکایی‌ها در قرن ۲۱ است، اما ۵۹ درصد مردم، جمهوریخواهان و ۱۹ درصد آنان، دموکرات‌ها را برای رفع این مشکل کارآمد می‌دانند (Dana & Allin ، ۲۰۰۳ : ۱۶-۷ در عصر حاضر، بنیادگرایی، ظهور قدرت‌های بزرگ، توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، منابع نامطمئن انرژی، غذا و آب، تداوم شکاف بین فقیر و غنی و سرعت فناوری‌های مدرن اطلاعاتی و ارتباطاتی از جمله چالش‌هایی محسوب می‌شود که دموکرات‌ها بر مقابله با آنها تاکید می‌کنند. آنان حوزه منافع ایالات متحده را از بغداد تا قندهار، کراچی، پکن، برلین، برازیلیا و باماکو در آفریقا توسعه می‌دهند و دفاع از این منافع را اولویت سیاست خارجی عنوان می‌کنند. از دیدگاه آنها، جمهوریخواهان در دوران جرج دبلیو بوش با پیروی از ایدئولوژی تنگ‌نظرانه خود به تلاش‌های بین‌المللی (به ویژه درباره دادگاه جنایی بین‌المللی و پروتکل کیوتو) بی‌اعتنایی کردند که این مسئله علاوه بر آنکه چهره متکبر و تکرو آمریکا را تقویت کرد، باعث تضعیف متحدان، افزایش مقاومت در برابر سیاست‌های آمریکا و در بدترین حالت گسترش تروریسم شد. (ibid) حزب دموکرات معتقد است هیچ اولیتی مهم‌تر از تجدید رهبری آمریکا در عرصه جهانی وجود ندارد و این مهم، همان اندازه که به توان نظامی وابسته است، به مهارت‌های دیپلماتیک نیز نیازمند است. بنابر این همه عناصر قدرت آمریکایی باید برای حفظ امنیت در برابر تهدیدات، بکار گرفته شود و ملت آمریکا به جای بیگانگی از جهان، برای به دست گرفتن رهبری جهان اقدام نماید. این حزب، راهبردهایی برای مقابله با چالش‌های فراروی آمریکا در جهان کنونی مطرح کرده که در آنها بر دیپلماسی فعال آمریکا در سراسر جهان تاکید شده است (Renewing America's Promis ، ۲۰۰۸ : ۳۷-۲۴).

۱- مبارزه با افراط‌گرایی: از نظر دموکرات‌ها اقدام آمریکا در مقابله نظامی با تروریسم باید چهره این کشور را به عنوان یک ابرقدرت خیرخواه و محترم و نه یک قدرت ترسو و نگران تقویت نماید (ibid : Dana & Allin).

۲- جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای: برای مقابله با این تهدید، دموکرات‌ها چند راه حل توصیه می‌نمایند: ۱. جهانی عاری از سلاح هسته‌ای (کاهش اتکاء به سلاح‌های هسته‌ای و در نهایت حذف آنها)؛ ۲. امنیت سلاح‌های هسته‌ای موجود و جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به آن؛ ۳. پایان جنگ سرد هسته‌ای با انعقاد موافقت‌نامه بین آمریکا و روسیه؛ ۴. پایان تولید مواد شکافت‌پذیر؛ و ۵. غیر هسته‌ای کردن کره شمالی.

۳- تجدید قوای نظامی: دموکرات‌ها بر این باورند که قدرت نظامی بیشتر از هر چیزی برای ثبات لازم است، بنابراین باید هزینه‌های نظامی افزایش یابد. (ibid) در این چارچوب استفاده از زور باید علاوه بر شرایطی که دفاع شخصی محسوب می‌شود، در شرایطی که ثبات جهانی به آن نیازمند است، با همکاری و مشارکت دیگر کشورها انجام شود.

۴- تقویت امنیت با همکاری‌های مشترک: تعمیق روابط با قدرت‌های نوظهور (هند، چین، روسیه، برزیل، نیجریه و آفریقای جنوبی) و احیای نهادهای جهانی از مواردی است که در این راهبرد قرار می‌گیرد. بر این اساس امنیت

جهانی باید با همکاری متحدان اروپایی و آسیایی و نیز کشورهای آفریقایی و آمریکایی صورت گیرد.

۵- پیشبرد دموکراسی و توسعه: احترام به حقوق بشر، ایجاد نهادهای دموکراتیک، کمک به جامعه بشری برای رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری و مبارزه با قاچاق انسان، شعار دموکرات‌ها در این بخش به شمار می‌آید.

۶- حفاظت از محیط زیست با تامین امنیت انرژی و مبارزه با تغییرات آب و هوایی: امنیت انرژی، کاهش مصرف نفت به میزان ۳۵ درصد تا سال ۲۰۳۰، استفاده از انرژی پاک و مقابله با تغییرات آب و هوایی، از دیگر راهبردهای دموکرات‌ها برای مقابله با تهدیدات پیش روی آمریکا در قرن اخیر می‌باشد.

(Renewing America's Promis, August ۲۰۰۸)

ب- تلاش جمهوری خواهان برای تثبیت هژمونی مبتنی بر زور آمریکا

به طور سنتی، سیاست خارجی جمهوری خواهان تعهد به دفاع ملی قدرتمند است. سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ آموزه ایدئولوژیکی حزب را در عصر نوین به خوبی بیان کرده است. حمله پیشدستانه مهم‌ترین بخش این سند است که در آن بر آمادگی ایالات متحده برای جلوگیری از تهدید یا کاربرد جنگ‌افزارهای ویژه علیه ایالات متحده و هم‌پیمانانش تاکید شده است. جمهوری خواهان هفت راهبرد برای حفظ رهبری و دفاع از منافع ایالات متحده در عرصه جهانی مطرح می‌کنند (Chuck Hagel: ۲۰۰۴):

۱- ایالات متحده باید همچنان متعهد به ایفای نقش رهبری در اقتصاد جهانی باشد.

۲- به دلیل وابستگی ایالات متحده به نفت خلیج فارس، هرگونه بی‌ثباتی و برخورد در این منطقه بر منافع آمریکا تاثیرگذار است. بنابراین سیاست انرژی ایالات متحده با اقتصاد و سیاست خارجی در پیوند است و امنیت ملی آمریکا وابسته به ثبات سیاسی خاورمیانه و دیگر مناطق تولید کننده نفت و گاز در جهان است.

۳- حفظ امنیت و منافع ایالات متحده در درازمدت به اتحاد و ائتلاف و نیز حمایت از نهادهای بین‌المللی بستگی دارد. با این حال عضویت ایالات متحده در سازمان‌های بین‌المللی نباید این کشور را از وظیفه رهبری و ترویج ارزش‌ها باز دارد. مشارکت در این سازمان‌ها نباید باعث لطمه دیدن منافع ملی ایالات متحده شود. (Republican Platform, ۲۰۰۸: ۱۷۳)

۴- ایالات متحده همچنان به حمایت از اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک به ویژه در خاورمیانه ادامه دهد. این اصلاحات بازتاب ارزش‌ها و منافع ملی ایالات متحده است و باعث نزدیکی این کشورها به آمریکا می‌شود.

۵- نیمکره غربی در اولویت سیاست خارجی قرار گیرد.

۶- ایالات متحده برای مبارزه با فقر و گسترش بیماری در سراسر جهان، با متحدان خود همکاری کند.

۷- آمریکا برای دستیابی به اهداف، از دیپلماسی قوی و عمومی در کنار سایر ابزارها بهره گیرد. راه‌اندازی رادیوهای مانند آزادی، نقش مهمی در جایگزینی مدرنیزاسیون به جای بنیادگرایی و حفاظت از منافع ملی ایالات متحده دارد. جمهوری خواهان، خواستار توسعه روابط خارجی خود به ویژه با اتحادیه اروپا، روسیه، هند و چین شده‌اند و آن را برای ثبات و امنیت جهانی حیاتی می‌دانند. از دیدگاه حزب، اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر موفق‌ترین ائتلاف نظامی

تاریخ را با آمریکا تشکیل داد. بنابراین حفظ رابطه با این اتحادیه از اهمیت زیادی در سیاست خارجی برخوردار است. ضمن اینکه جمهوری خواهان استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو را برای حمایت از اعضای کشورهای این اتحادیه، اقدامی مهم و قابل تقدیر می‌دانند. رابطه با خاورمیانه نیز بخش مهمی از راهبرد سیاست خارجی جمهوری خواهان را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین مسئله در این منطقه صلح خاورمیانه است که در چارچوب آن، آمریکا متعهد به حفظ رژیم صهیونیستی در برابر دشمنان بالقوه است.

جمع‌بندی جایگاه مبانی فکری و سیاسی دو حزب در سیاست خارجی آمریکا

در مجموع دموکرات‌ها اغلب از دیدگاهی لیبرال و آرمان‌گرا بهره می‌گیرند، در حالی که جمهوری خواهان واقع‌گرا و محافظه‌کار به شمار می‌آیند. این نوع نگرش تبعات خود را در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اقتصاد بین‌الملل به جا می‌گذارد. سازش‌کاران لیبرال و تندروهای محافظه‌کار هر دو، بر سر سه آرمان ممانعت از گسترش سلاح هسته‌ای، دفاع از متحدان و گسترش مردم‌سالاری توافق دارند، اما بر سر مسائل زیست‌محیطی، همکاری اقتصادی بین‌المللی، حمایت از سازمان ملل، بهبود زندگی در کشورهای در حال رشد و حقوق بشر با هم اختلاف نظر دارند. در مجموع دو حزب اصلی آمریکا از دو گروه فکری نمایندگی می‌کنند که اگرچه ضد هم نیستند، اما در دستیابی به اهداف و آرمان‌های آمریکایی با هم اشتراک نظر ندارند. نکته اساسی این است که دو حزب با وجود این تفاوت‌ها، در مسیر افزایش قدرت ایالات متحده و تثبیت رهبری آن گام برمی‌دارند.

بررسی تحقیقات صلاح و سلیمانی درخصوص متغیرهای موثر بر روابط ایران و آمریکا از آغاز تا پایان جنگ جهانی دوم با تکیه بر منافع فزاینده آمریکا در ایران با هدف تبارشناسی مناسبات ایران و آمریکا از حیث شناخت موقعیت جهانی و منطقه‌ای حاکی از آن است که تمایل رجال ایرانی به حضور قدرت سوم برای کاستن از فشار قدرت‌های سنتی روسی و انگلیسی با هدف از میان بردن نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی بوده است. به علاوه تلاش آمریکا برای حضور فعال‌تر در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی جهانی و بهره‌برداری از وضع راهبردی ایران در چگونگی و چرایی این مناسبات سهم موثر داشته است. همچنین تحقیقات موسویان و سبزیان موسی‌آبادی با هدف بررسی چالش‌های نظری در روابط ایران و آمریکا و بررسی ریشه‌های تقابل و زمینه‌های تعامل میان دو کشور نشان می‌دهد، با تفکیک میان اهداف راهبردی و غیرراهبردی و نیز با اولویت‌بندی اهداف دو کشور نگرش صحیح به فرصت‌ها، تهدیدات، موانع و چالش‌های داخلی و خارجی و یا کاهش چالش‌های نظری می‌توان حداقل زمینه‌های نظری تعامل میان دو کشور را فراهم نمود. بررسی تحقیق منصوری، افتراق‌های ایران و آمریکا درخصوص مسائل امنیتی، نشان از این مطلب است که جمهوری اسلامی ایران به علت ویژگی‌های اسلامی و مستقل بودن طبعاً نمی‌تواند رفتاری مشابه بسیاری از کشورهای دیگر داشته باشد. بنابراین راهکارهای متفاوتی ارائه می‌نماید. در ارائه پیشنهادها و راهکارها به راهبردهایی پرداخته می‌شود که احتمال موفقیت و پیشرفت بیشتری داشته باشد و تا آنجایی

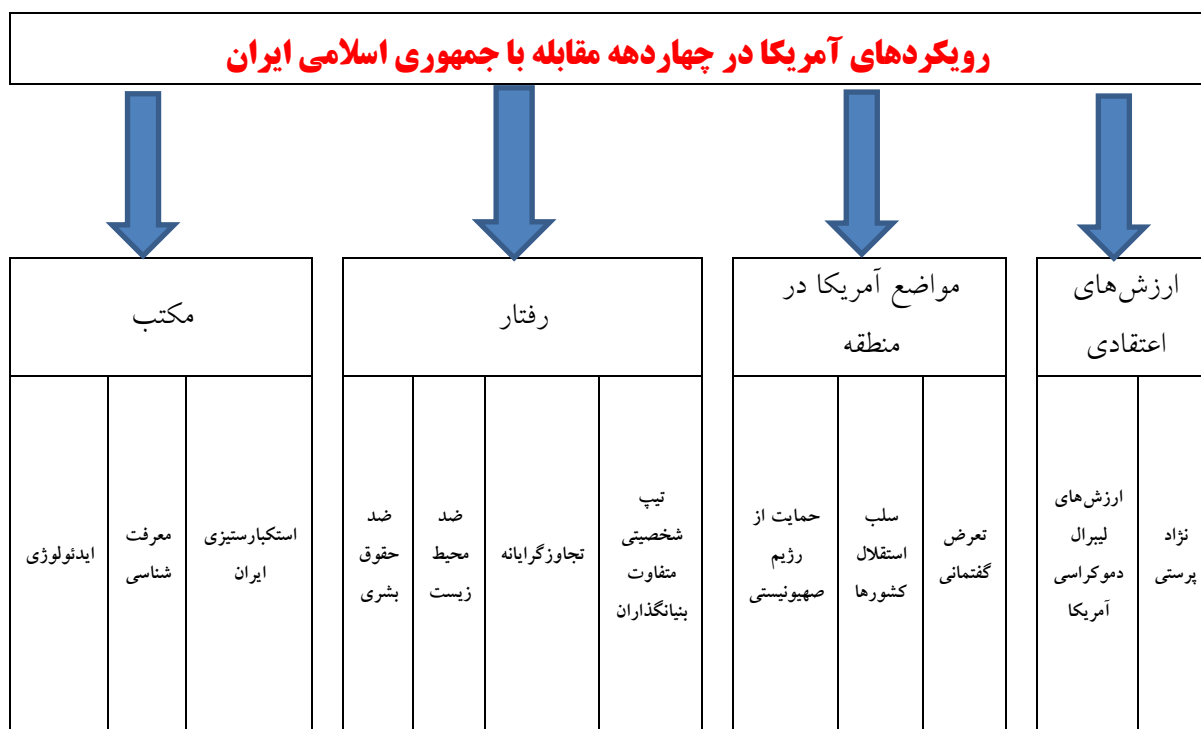
که مقدور است، فعالانه در دفاع از موجودیت، هویت، امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی خود عمل کند و هیچ فرصتی را از دست ندهد.

با بررسی‌های صورت پذیرفته در پیشینه موضوع می‌توان بیان نمود، پژوهش‌هایی که در پیشینه به آنها اشاره شد رابطه ایران و آمریکا را یک عامل مهم تلقی کرده‌اند که نه تنها در روابط دو کشور، بلکه بر بسیاری از موضوعات داخلی و منطقه‌ای تاثیراتی گذاشته و می‌گذارد.

همچنین هیچ کدام از پژوهش‌ها زمینه‌های تاریخی چالش‌های ایران و آمریکا را بررسی نکرده‌اند. در بررسی روابط دو کشور آرمان‌ها و ارزش‌های هر کشور نقش اساسی دارد که بدون در نظر گرفتن و شناخت آنها نمی‌توان چالش‌های دو کشور را آسیب‌شناسی نمود. از سوی دیگر پژوهش حاضر سعی دارد به رویکردهای آمریکا در چهار دهه مقابله با جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

پس از بررسی‌های صورت پذیرفته می‌توان مدل مفهومی حاصل از تحقیق را براساس شکل شماره یک ارائه نمود.

جدول شماره ۱ - مدل مفهومی تحقیق



۴- روش‌شناسی تحقیق

از آنجایی که این پژوهش در راستای کمک به درک صحیح رابطه ایران و آمریکا انجام می‌شود، پژوهشی کاربردی- بنیادی است و از آنجایی که قصد دارد، رویکردهای آمریکای چهاردهه‌م مقابل و چالش با جمهوری اسلامی ایران را تبیین نماید، پژوهش توسعه‌ای است. بنابر این تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها کیفی و از نوع مصاحبه می‌باشد. از آنجایی که هدف از مصاحبه، به دست آوردن اطلاعات دقیق از عقاید و اظهارنظرهای افراد مربوط به موضوع مناسبات بین ایران و آمریکا است و به دلیل شرایط و وضعیت کشور و چالشی بودن موضوع، احتمال خودسانسوری، کتمان واقعیت‌های موجود، اظهارنظرهای غیرشفاف و یا بیان مطالب در قالب استعاره و کنایه و... وجود دارد. لذا نقش مصاحبه‌کنندگان و دقت نظر آنها در کشف واقعیت‌ها مهم بوده و از جایگاه ویژه‌ای در غنای علمی تحقیق برخوردار است. بنابراین، نوع مصاحبه در این تحقیق، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و ساختاریافته انتخاب شده است و در این راستا، مصاحبه‌هایی با برخی از افراد مسلط به وضعیت مناسبات ایران و آمریکا و برخی از مسئولین مرتبط در سنوات گذشته و برخی از محققین و اندیشمندان در حوزه مناسبات ایران و آمریکا که آشنا به مفاهیم و سنوات مربوط بوده و دارای سابقه کار سیاسی، علمی و اجرایی بالایی در این حوزه بودند، انجام گرفت. لازم به توضیح است که برای انتخاب افراد خبره جهت انجام مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی، ابتدا فهرستی از اسامی افرادی که به این حوزه آشنایی کامل داشتند و تحصیلات و نشریات مرتبط داشتند و یا در مشاغل و مناصب حاکمیتی مرتبط مسئولیت داشتند و صاحب‌نظر در این خصوص بودند، تهیه گردید و در نهایت حدود ۷۰ نفر از آنها به‌روش گزینشی و هدفمند و باتوجه به دیدگاه‌های جریان‌های مختلف کشور انتخاب شدند. سپس باتوجه به سابقه کار و حوزه‌های کاری آنها، غربالگری صورت پذیرفت و پس از مشورت نهایی با برخی از خبرگان، فهرست نهایی افراد مصاحبه‌شونده با اولویت اول به تعداد ۳۰ نفر رسیدند. ولی باتوجه به لزوم اشباع و اقناع مطالب اخذ شده، فرآیند مصاحبه از روش گلوله برفی و تا اشباع‌نظری و اقناع لازم ادامه یافت و نکات کلیدی در باره ابعاد، مولفه‌ها، شاخص‌ها در رویکردهای آمریکای چهاردهه‌م مقابل و چالش با جمهوری اسلامی ایران از این مصاحبه‌ها استخراج شد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزارهای گردآوری داده‌ها در روش کتابخانه‌ای، ابزار گردآوری داده‌ها، فیش است و در روش میدانی ابزار، مصاحبه و پرسش‌نامه محقق ساخته خواهد بود.

در این تحقیق، مصاحبه‌کنندگان بر اساس اهداف و سوالات تحقیق و ادبیات و مبانی نظری تحقیق، در کل با دو دسته سوالات اصلی انتخاب شده و مشخص و یکسری سوالات ایجاد شده در جلسه، مصاحبه‌ها را انجام و نتایج را پیاده‌سازی و کدگذاری نمودند، که سوالات اصلی مصاحبه شامل؛ موارد زیر می‌باشند:

۱. هزینه‌های چالش با آمریکا کدامند؟
۲. از نظر شما ریشه‌های تعارض فکری جمهوری اسلامی ایران و آمریکا چیست؟
۳. ریشه‌های تعارض سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا چیست؟

۴. تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از ایجاد رابطه با آمریکا کدامند؟ همچنین برای روشن‌سازی اطلاعات در زمینه‌ای خاص از سوالات پیگیری استفاده می‌شود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل به‌منظور اعتبارسنجی ابزار حاکی از آن است میزان پایایی ۹۲ درصد برآورد شده است.

جدول شماره ۲ - رویکردهای آمریکا در چهاردهه مقابله با جمهوری اسلامی ایران

One Sample Test						
	Test Value = ۳					
	t	df	Sig. (۲ tailed)	Mean Difference	۹۵% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
مسئله رژیم صهیونیستی	۱,۸۱۰	۴۵	.۰۷۳	.۱۶۸۴۲	.۰۱۶۳	.۳۵۳۲
توسعه منافع آمریکا در منطقه	۹,۰۹۶	۴۵	.۰۰۰	.۶۸۴۲۱	.۵۳۴۹	.۸۳۳۶
آسیب دیدن روابط دیپلماتیک ایران	۱,۸۱۰	۴۵	.۰۷۳	.۱۶۸۴۲	.۳۵۳۲	.۰۱۶۳
ائتلاف برای مهار ایران در منطقه	۹,۷۹۸	۴۵	.۰۰۰	.۵۰۵۲۶	.۴۰۲۹	.۶۰۷۷
عدم دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه	۴,۱۶۲	۴۵	.۰۰۰	.۳۲۶۳۲	.۱۷۰۷	.۴۸۲۰
بلوک بندی منطقه‌ای	۲۹,۸۲۰	۴۵	.۰۰۰	۱,۱۷۸۹۵	۱,۱۰۰۴	۱,۲۵۷۴
کنترل منطقه‌ای	۵. ۴۵۰	۴۵	.۰۰۰	.۶۷۳۶۸	.۴۴۸۵	.۸۹۸۹
نامناسب سازی اقتصادی	۱۷,۰۶۸	۴۵	.۰۰۰	۱,۰۲۱۰۵	.۹۰۲۳	۱,۱۳۹۸
افزایش فساد و تبعیض	۲۷,۴۳۶	۴۵	.۰۰۰	۱,۳۴۷۳۷	۱,۲۴۹۹	۱,۴۴۴۹
کاهش اعتماد مردمی	۲۹,۸۲۰	۴۵	.۰۰۰	۱,۱۷۸۹۵	۱,۱۰۰۴	۱,۲۵۷۴
فقر اجتماعی	۹,۴۰۵	۴۵	.۰۰۰	.۸۶۳۱۶	.۶۸۰۹	۱,۰۴۵۴
عدم دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه	۶,۶۳۵	۴۵	.۰۰۰	.۶۶۳۱۶	.۴۶۴۷	.۸۶۱۶
عقب ماندگی مجازی	.۴۷۲	۴۵	.۶۳۸	.۰۶۳۱۶	.۲۰۲۳	.۳۲۸۶
فشارهای حقوق بشری	۴,۱۴۷	۴۵	.۰۰۰	.۵۳۶۸۴	.۲۷۹۸	.۷۹۳۸
لطمه به تجارت بین‌الملل	۲,۰۴۶	۴۵	.۰۴۴	.۱۸ ۴۵۷	.۳۷۳۴	.۰۰۵۶
آسیب دیدن روابط دیپلماتیک	۶,۵۱۳	۴۵	.۰۰۰	.۵۰۵۲۶	.۳۵۱۲	.۶۵۹۳
نامناسب سازی اقتصادی	۶,۶۵۰	۴۵	.۰۰۰	.۵۱۵۷۹	.۳۶۱۸	.۶۶۹۸

خروجی حاصل از آماره‌های استنباطی بر اساس جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری بدست آمده برابر ۰/۰۰۰ بوده و کوچک‌تر از ۵ درصد است. همچنین حد بالا و پایین نیز مثبت هستند. از این رو می‌توان بیان داشت کلیه شاخص‌های احصا شده در حوزه هزینه‌های مقابله با آمریکا مورد تایید می‌باشد.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تجزیه و تحلیل رویکردهای آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

باتوجه به مباحث مطروحه در ادبیات نظری تحقیق می‌توان اذعان داشت، بعد از انقلاب اسلامی ایران، تاکنون آمریکا در یک نگاه کلی سه رویکرد را در مقابله با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. رویکرد اعمال قدرت سخت، رویکرد اعمال قدرت نرم و رویکرد اعمال قدرت هوشمند می‌باشند. نگاهی به تاریخ آمریکا، نشان می‌دهد که راهبرد سیاست خارجی این کشور در مقابل ایران در دوران جمهوری خواهان عموماً بر پایه قدرت سخت بوده است که دوره جرج بوش پدر و پسر از جمله آنهاست. در مقابل توسط دمکرات‌ها و رؤسای جمهور بر آمده از این حزب در برخورد با جمهوری اسلامی عمدتاً قدرت نرم به کار گرفته شده است و در دوره اوباما و رویکرد قدرت هوشمند هم به آن اضافه گردید.

۱- رویکرد بکارگیری قدرت سخت آمریکا علیه ایران

قدرت سخت، به چهار دسته عمده تقسیم می‌شود که دشمن به آنها متوسل می‌شود، که کودتا، شورش‌های داخلی، ترور و تجاوز نظامی از آن جمله است. طی سال‌های پس از انقلاب، آمریکا از هر چهار ابزار علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است. مواردی همچون کودتای نوژه یا حمله نظامی در ماجرای طبس از نوع کودتا و تجاوز نظامی است که توسط آمریکا در ایران صورت گرفت. همچنین ترور شخصیت‌های برجسته و تئوریسین‌های جمهوری اسلامی مانند آیت الله مرتضی مطهری توسط گروهک فرقان و یا بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران و به شهادت رساندن آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانش و همچنین انفجار نخست وزیری و شهادت رئیس جمهور و نخست‌وزیر نیز از نوع ابزارهایی است که به ترور و وحشت معروف است. از دیگر موارد قدرت سخت، حمله نظامی عراق به ایران که با چراغ سبز آمریکا و حمایت کشورهای غربی و عربی صورت گرفت نیز از جمله این اقدامات است و بالاخره آشوب‌هایی مانند غائله ۱۸ تیر ۱۳۸۷ که از سوی آمریکا در بطن جنبش دانشجویی تدارک دیده شد و با هدایت برخی مسؤولان به اجرا درآمد (موسوی، ۱۳۸۷) و همچنین غائله و اغتشاشات بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ و ناآرامی‌های دیماه ۱۳۹۶ از این دست اقدامات بودند.

باوجود به‌کارگیری همه شیوه‌های قدرت سخت توسط آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران طی ۴۰ سال گذشته، همه این طرح‌ها با شکست مواجه شده و ایران هر روز با ثبات‌تر و با صلابت‌تر از گذشته ظاهر شد. در دنیای امروز، دیگر قوای نظامی به‌عنوان قدرت سخت نقش مهمی در تعیین قدرت کشورها ندارد. به همین دلیل سیاست‌های ضعیف و ناکارآمد دولت بوش عامل مخدوش شدن وجهه آمریکا در جهان شد. بوش پسر در دو دوره ریاست

جمهوری‌اش سیاست‌های خود را بر قدرت سخت استوار کرده بود. به راه انداختن دو جنگ پر هزینه علیه کشورهای افغانستان و عراق، حمایت شدید نظامی و امنیتی از رژیم صهیونیستی و بالا بردن هزینه‌های نظامی و ... همه شاهد این مدعاست. او تلاش می‌کرد تا آمریکا با شعار مبارزه با تروریسم با استفاده از رسانه‌های داخلی وابسته به دولت، در دفاع از سیاست‌هایش قدرت نرم را نیز پدید آورد و افکار عمومی را با خودش همراه کند. همچنین سیاست‌های بوش در زمینه تغییرات جوی، دادگاه بین‌المللی جنایی و دیگر موضوعات با دیدگاه جهان‌مغایرت داشت و از این رو رهبری و هژمونی آمریکا را بی‌اعتبار کرد.

جوزف نای در کتاب قدرت نرم خود به رویکرد قدرت سخت بوش توجه ویژه داشته و اعتراضی سازمان یافته به نوع حکومت‌داری او و نومحافظه‌کاران خصوصاً پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌کند. وی معتقد است پس حمله آمریکا به عراق و عدم توجه به احساسات مسلمانان و بی‌توجهی عمدی پنتاگون به مظاهر قدرت نرم ایالات متحده و تاکید خاص آن بر افزایش کاربری قدرت سخت، باعث افول قدرت نرم این کشور به ویژه در میان مردم کشورهای در حال توسعه و مسلمان شده است. وی همچنین اشاره می‌کند گرچه آمریکا بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان است، اما بعد از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد آمریکا به طور متوسط ۳۰ درصد حمایت بیشتر کشورهای اروپایی را از دست داده است و سطح حمایت آنها در این جنگ حتی پایین‌تر از کشورهای اسلامی بود. لذا توجه به نتایج و هزینه‌های سنگین سیاست‌های بوش که به مخدوش شدن چهره آمریکا در جهان انجامید، باعث شد تا او با شعار تغییر وارد کاخ سفید شود و راهبرد قدرت هوشمند را سرلوحه سیاست‌های خود در حوزه سیاست خارجی قرار دهد (جعفرپور، ۱۳۸۷).

۲- رویکرد بکارگیری قدرت نرم آمریکا علیه ایران

ابعاد توطئه‌ها و رویکردهای آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی تنها به رویکرد جنگ سخت علیه نظام جمهوری اسلامی محدود نبوده، بلکه گستره آن ریشه‌های فرهنگی و فکری نظام جمهوری اسلامی را به عنوان پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی در بر گرفته و شاهد تهاجم گسترده فرهنگی و جنگ نرم این کشور بر علیه نظام جمهوری اسلامی بوده هستیم. ادوارد شرلی نظریه پرداز آمریکایی می‌گوید: «کلید اصلی برای ایجاد یک تغییر بنیادین در سیاست‌های ایران از بین بردن خصوصیات انقلابی ایران است و باید عقاید انقلاب را از درون تهی کرد» (معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۸: ۹۶).

دیوید کیو^۱ مأمور وقت سازمان سیا و رابط آن با برخی گروه‌ها و عناصر ضد انقلاب می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم» (نگارش، ۱۳۸۰: ۱۸۰). ابعاد جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که بیش از شخصیت بنیاد و مؤسسه در زمینه جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی فعال هستند که از جمله می‌توان به بنیاد سوروس یا بنیاد جامعه باز، مرکز

وودرو ویلسون، خانه آزادی، صندوق اعانه ملی برای دموکراسی^۱ (N.E.D.)، مؤسسه دموکراتیک ملی^۲ (N.D.I.)، مؤسسه جمهوریخواه ملی^۳ (N.R.I.)، بنیاد فورد، بنیاد برادران راکفلر، بنیاد کارنگی، مؤسسه آمریکن اینترپرایز، بنیاد دموکراسی در ایران، انستیتو آلبرت انشتین، کمیته خطر حاضر، انستیتو بروکینگز، مرکز سابان وابسته به بروکینگز، دیده بان حقوق بشر، موسسه کاتو، مرکز هیستینگز، مرکز بین المللی تحقیقات بر روی زنان، و... اشاره نمود (مرسلی ۱۳۸۸: ۸۶). فعالیت شبکه های فارسی زبان از جمله VOA، BBC، رادیو فردا، رادیو زمانه، رادیو رژیم صهیونیستی، شبکه های ماهواره ای ضدانقلاب مانند منافقین، گروه های سلطنت طلب، پارس، رنگارنگ، فیس بوک، تویتر و... بیانگر تلاش همه جانبه آمریکا و جنگ نرم این کشور به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی است اینها تنها نمونه هایی از فهرست بلند توطئه ها و اقدامات خصمانه آمریکا بر علیه نظام جمهوری اسلامی می باشد که به خوبی بیانگر عمق کینه و دشمنی این کشور با نظام جمهوری اسلامی است (واعظی، ۱۳۸۱: ۲۸۰-۲۸۵). بنابراین ایالات متحده پس از عدم توفیق در بکارگیری قدرت سخت، به سمت قدرت نرم متمایل شد. پروژه هایی همچون براندازی نرم که حوالی سال های ۷۶ تا ۸۴ و در ادامه حوادث سال ۱۳۸۸ در ایران از سوی آمریکا توسط بنیادهایی همچون سوروس مطرح بود، از این منظر قابل بررسی است. به اعتقاد نظریه پردازان این رویکرد، ایران به علت برخورداری از سوابق دموکراسی و وجود نهادهای مردم سالار و وجود پتانسیل های موجود برای حرکت های مردمی و غیر دولتی، از استعداد بالایی برای تغییر نظام سیاسی به روش های غیر خشونت آمیز برخوردار است.

لازم به ذکر است که قدرت نرم، دارای دو بعد فرهنگی و سیاست خارجی نیز می باشد که بعد فرهنگی، بیان کننده لزوم عدم تسلط فرهنگ خاص در جامعه است و در صورت تسلط، دیگر فرهنگ ها نیز باید بتوانند خود را حفظ کرده و فعالیت کنند و در واقع به نوعی به تکرگرایی یا پلورالیسم اشاره دارد. این موجب می شود وحدتی که زیر سایه اسلام در کشور، میان قومیت های مختلف به وجود آمده، از بین رفته و تنها وجه تمایز انقلاب را که همان اسلام است، تضعیف کند. به بیان دیگر، استفاده از فرهنگ بی فرهنگی یا همان زندگی آمریکایی و اشاعه فحشا و بی بند و باری که جوان مسلمان را در باتلاق این فرهنگ از خود بی خود می کند. بعد دیگر قدرت نرم، بعد سیاست خارجی است که دولتی را در مجامع بین المللی فاقد مشروعیت جلوه می دهد و با استفاده از اتهاماتی نظیر نقض حقوق بشر و از بین بردن آزادی های فردی و خفقان در یک جامعه، آن دولت را در مجامع بین المللی محکوم می کند.

مؤسسه بررسی و مطالعات امور مهم بین المللی^۴ (IIS)، در گزارشی تحلیلی و تحقیقاتی از موقعیت منطقه ای ایران نوشت: موقعیت منطقه ای ایران کلید اصلی قدرت آن است. در این گزارش تحلیلی آمده است: جنگ علیه تروریسم، طالبان و صدام دو تا از بزرگترین رقبای منطقه ای ایران را از میان برداشت و نفوذ منطقه ای ایران را تقویت کرد. موفق نبودن رژیم صهیونیستی در شکست حزب الله، موضع ایران را به عنوان نقطه مرکزی منطقه در مقابل سیاست تحت

۱- National Endowment for Democracy

۲- National Democratic Institute

۳- National Republican Institute

۴- Institute for International Studies and Studies

رهبری آمریکا استحکام بخشید و چنانچه ایران به‌طور جدی تهدید شود، این پتانسیل را دارد که آشفته‌گی کنونی منطقه را بیشتر برانگیزد. این گزارش افزود نقش ایران در مناطقی مانند عراق، افغانستان و لبنان به‌طور فزاینده‌ای افزایش پیدا کرده است و همچنین شکست آمریکا و متحدانش در درک سطح و میزان موضع و روابط منطقه‌ای ایران، به نقش ایران در این باره کمک بسیاری کرده است.

در واقع آمریکا و متحدانش متوجه این موضوع نیستند که موضع و روابط منطقه‌ای ایران، عامل پویایی است که به کلید اصلی اعتماد به نفس جدید ایران منجر شده است. به علت وجود این مسائل، دستور کار آمریکا برای مقابله با ایران به شدت در مقابل آسودگی مطمئنی که ایران همراه با آن در منطقه نشسته، قرار گرفته است و در نتیجه این دستور کار آنچنان که آمریکا در نظر داشت، پاسخگو نبود. این گزارش تحلیلی همچنین در ارتباط با مسأله خصومت با آمریکا افزود: در حالی که این امکان وجود دارد که در ارتباط با قدرت موسوم به قدرت سخت، برتری در دست آمریکا باشد اما استفاده ایران از قدرت نرم ثابت کرده است که روش ایران اثرگذاریهایی بیشتری داشته است. (سایت راسخون، ۱۳۸۷). قدرت نرم انقلاب اسلامی، جریان تفکر لیبرال دموکراسی را به چالش کشیده است. امروز آنچه جریان لیبرال دموکراسی آن را دشمن خود می‌داند، نه ابزار قوی نظامی بلکه، تعریفی است که جمهوری اسلامی در پرتو قدرت نرم ارائه میکند (ذاکر اصفهانی، ۱۳۸۸).

دولت بوش توانایی کمی را در استفاده از علم سیاست و فرهنگ برای پیگیری منافع راهبردی خود نشان داد، در حالی که دانش و آگاهی ایران از منطقه، تسلطش به زبان‌های مختلف و فرهنگ منطقه و همچنین روابط تاریخی قوی و مهارت‌های سازماندهی و گرداندگی‌های ایران همگی موجب شدند تا ایران امتیاز برتری بر غرب را در این باره به دست آورد. ندیم شهادی، کارشناس بخش خاورمیانه موسسه چتم هاوس^۱، معتقد است در حالی که آمریکا در منطقه سرگرم بازی پوکر است، ایران مشغول بازی شطرنج طولانی و هوشمندانه شده است و ایران در مقایسه با آمریکا، در تصاحب، قلبها و اذهان موفقتر عمل کرده است (سایت راسخون، ۱۳۸۷). جوزف نای از اتکاء دولتمردان سابق کاخ سفید به روش نظامی و یکجانبه‌گرایی انتقاد می‌کند و امیدوار بود که دولت بعدی شیوه‌های نادرست سلف خویش را دنبال نکند. توصیه جدی او به تیم اوباما این بود که به جای نظامی‌گری، راه سرمایه‌گذاری اقتصادی و مشی دیپلماتیک را پیش بگیرد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۴). به نظر نای، آمریکا در صورتی قادر به تسلط بر دیگران خواهد بود که با کمک به کمپانی‌ها، بنیادها، دانشگاه‌ها و نهادها ی جامعه مدنی بتواند در اعمال قدرت نرم از دیگران پیشی بگیرد. در این میان فرهنگ، ایده‌ها و ارزش‌های آمریکا یی در جذب حامیان و متحدان برای واشنگتن بسیار مهم می‌باشد (نای الف، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۱).

۳- رویکرد بکارگیری قدرت هوشمند آمریکا علیه ایران

پس از عدم موفقیت دو رویکرد فوق‌الذکر، آمریکا این بار با شناخت نقاط قوت و ضعف هریک از آنها به رهیافت سومی رسیده که همان قدرت هوشمند است. واژه قدرت هوشمند به عنوان سیاست جدید کاخ سفید برای

اولین بار توسط هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در کنگره مطرح شد و از سوی بارک اوباما به عنوان مهم‌ترین ابزار این کشور در برابر ایران از سوی آمریکا به شمار آمد و اوباما پیگیری و اجرای این نوع از قدرت هوشمند را بکاربرد. همانطور که در بحث مفاهیم نظری آمد، قدرت سخت متوجه ایجاد تبعیت ناشی از نمایش خشونت و اجبار از طریق اعمال قدرت است و قدرت نرم، مبتنی بر ایجاد تبعیت از طریق اقناع است (مطهرنیا، ۱۳۸۸). جذابیت ناشی از حقانیت قدرت هوشمند بیش از آن که منبع جدید قدرت باشد، تلفیقی از قدرت سخت و نرم است که مدیریت نوین اعمال قدرت به شمار می‌رود. در واقع، قدرت هوشمند نوع خاصی از قدرت نرم متمایل به قدرت سخت و یا نوع توسعه یافته‌ای از قدرت نرم است که امکان تلفیق با قدرت سخت را داشته و برای نیل به هدف یعنی واداشتن به اطاعت، راه اعمال خشونت را نیز باز گذاشته و در عین حال می‌توان نمایش حقانیت نامید که خروجی این جباریت را پوششی از جذابیت از راه آن همان سیاست یا راهبرد هو یج و چماق می‌باشد که مبتنی بر رفتاری ترکیبی شامل فریب تبلیغی و ترس ترغیبی می‌باشد. (سنایی راد، ۱۳۸۸).

در عرصه عمل، دولتهایی موفق‌ترند که بتوانند از ترکیب مناسبی از این دو نوع ترکیب قدرت برخوردار باشند. در واقع و به تعبیر علمی قدرت هوشمند استفاده هوشمندانه از قدرت سخت و قدرت نرم است. یعنی بر اساس شرایط داخلی و خارجی یک کشور، دولت‌ها می‌توانند این دو قدرت را با هم ترکیب کرده و قدرت هوشمند را که نتایج مطلوب برای منافع ملی دارد، به دست آورند (جعفرپور، ۱۳۸۷). دولت آمریکا با توجه به شکست سیاست‌های قبلی‌اش و نتایج و هزینه‌های سنگین جنگ‌های عراق و افغانستان و هزینه‌های حیثیتی و فرهنگی این جنگ برای آمریکا، برای تغییر دمکرات‌ها و در رأس آنها باراک اوباما به عنوان نامزد این حزب با شعار بازسازی و بازیابی حیثیتی آمریکا به پیش آمد و رئیس جمهور آمریکا شد. وی در قالب سیاست قدرت هوشمند تلاش کرد که از ابزارهای دیپلماتیک استفاده کرده تا اولاً بحران‌های حاصل از جنگ و رکود اقتصادی را مدیریت کند و ثانیاً منافع ملی آمریکا را با نگرش‌های نوینی به دست آورد. لذا به جای سیاست یک جانبه‌گرایی، سیاست چندجانبه‌گرایی را در پیش گرفت و همچنین بر قدرت نرم تأکید کرد. در نتیجه برنامه پیشنهادی وی برای خروج نظامیان آمریکایی از عراق، پیشنهاد گفتگوی بدون پیش شرط با ایران، احتمال گفتگو با طالبان برای حل بحران افغانستان و ... بخشی از راهبرد قدرت هوشمندی بود که وی در پیش گرفت.

تفکیک رویکردهای دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در قبال جمهوری اسلامی ایران

با وجود اینکه هیچ تفاوت اساسی در مبانی، جهت‌گیری و رویکردهای دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و روسای جمهور آنها نسبت به انقلاب اسلامی ایران وجود ندارد. برای چهار دهه عمر جمهوری اسلامی در ایران، ریاست جمهوری آمریکا بین سه دموکرات و چهار جمهوری‌خواه دست به دست شده است. ۴۱ سال پیش گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در ایران جرقه تشدید دشمنی را زد و بی‌اعتمادی و سیاست‌های خصمانه آمریکا آتش این دشمنی را شعله‌ور کرد. حتی تماس تلفنی بی‌سابقه روسای جمهور دو کشور در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل (آقایان روحانی و اوباما) و توافق هسته‌ای (تا قبل از خروج ترامپ) هم نتوانست آن طور که خیلی‌ها انتظار داشتند آبی روی

این آتش بریزد. در ادامه این روند رئیس جمهور فعلی آمریکا (دونالد ترامپ) هم‌زمان با تولد یک سالگی اجرای برجام سوگند ریاست جمهوری خورد و در ادامه واقیعت عریان سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران را با شدت هرچه تمام‌تر به نمایش گذاشت. در ادامه برای نمونه و بررسی دقیق‌تر مواضع دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان به شکل جزئی‌تر مواضع و سیاست خارجی دو رئیس جمهور آخر ایالات متحده که یکی از آنها دمکرات است. (باراک اوباما) و دومی که دونالد ترامپ رئیس جمهور قبلی و جمهوری‌خواه آمریکاست را به‌عنوان نمونه در قبال جمهوری اسلامی ایران تحلیل و مرور می‌نمائیم.

تجزیه و تحلیل راهبرد دولت اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۹)

سیاست‌های اوباما در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران در چارچوب راهبردهای مختلفی قرار می‌گیرد. فضای تبلیغاتی از طریق رسانه‌های آمریکا و سایر کشورهای غربی انجام عملیات روانی علیه ایران در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای غیرصلح‌آمیز همانند دولت بوش، ادامه یافت، اما در عین حال اوباما و تیم امنیت ملی او کوشیدند تا روند اجماع‌سازی بین‌المللی در ارتباط با ایران را پیگیری کنند. دولت اوباما برای تحقق اهداف خود از تاکتیک‌هایی مانند مذاکرات چندجانبه، محدودسازی ایران و همچنین ایجاد اجماع بین‌المللی استفاده کرد. سیاست امنیتی اوباما حول محور منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای قرار داشت. در این سیاست هرگونه آزمایش هسته‌ای زمینه‌های لازم را برای ایجاد دومینوی هسته‌ای در خاورمیانه به وجود می‌آورد. به‌طور کلی با وجود موضوعات حساسی مانند مسئله هسته‌ای ایران، امنیت رژیم صهیونیستی، امنیت انرژی و حفظ و ثبات در رژیم‌های دیکتاتور طرفدار غرب مانند عربستان سعودی، عملاً اوباما با هزینه کمتری اجماع جهانی علیه ایران را تشدید کرد و این سیاست چندجانبه‌گرا عملاً به معنی افزایش فشارها و تحریم‌ها علیه ایران بود. (رهنورد و حیدری، ۱۳۸۸: ۲۱۷). نقطه گره‌ای محیط عملیاتی ایالات متحده آمریکا در مرکز نبرد پنهان قدرت، میان این کشور و قدرت‌های بزرگ جهان جهت تحکیم نظم مورد نظرش، در دهه‌های اخیر همواره ایران بوده است. ایران به مثابه یک مزاحم و گره کور برای تحقق برنامه‌های آمریکا، در منطقه خاور میانه قرار دارد. به‌زعم تیم و مشاورین اوباما هرگونه اقدام نظامی به‌صورت مدیریت یک حمله فیزیکی بعد از جنگ روانی و اقدام رسانه‌ای علیه ایران در قالب پرونده هسته‌ای، امکان یک شکاف بزرگ را در منطقه خاورمیانه افزایش می‌داد. از سوی دیگر نزدیک شدن سیاسی به صورت مدیریت مذاکرات هسته‌ای به سمت مذاکرات دو جانبه در ابعاد مختلف امکان پررنگ شدن رقابت این کشور با دیگر قدرت‌های بزرگ را در منطقه خاورمیانه بیشتر می‌کرد و نبرد پنهان قدرت در خاورمیانه را افزایش می‌داد. بنابراین ایران عمق راهبردی چالش‌های آمریکا جهت پیروزی در خاورمیانه و استقرار نظم مورد نظرش می‌باشد.

در نتیجه ایران برای آمریکا متناقض نما و پارادوکسیکال است. لذا نمی‌توان با کاربرد قدرت سخت آن را از پای درآورد. از طرفی دیگر مساله عدم نفوذ قدرت نرم آمریکا در لایه‌های سخت پذیرش ایرانیان بخاطر دو عامل بیگانه ستیزی و غرب‌ناباوری ایرانیان وجود داشت. تشدید این دو عامل به واسطه وقوع انقلاب اسلامی و باز تعریف آن در برابر حمایت آمریکا از رژیم پهلوی و انواع تحرکات منفی آمریکا در تقابل با این انقلاب در چهار دهه گذشته

قابل تشخیص است. این دو راهکار موجب شده است که آمریکایی ها نه تنها در ایران بلکه در صحنه جهانی به دلیل مخدوش شدن چهره ایالات متحده آمریکا، بر آن شوند که قدرت هوشمندانه علیه ایران را در دستور کار قرار دهند و با ترکیب دو قدرت سخت و نرم به میدان عمل آیند. (مطهرنیا، ۱۳۸۸).

ضرورت به کارگیری قدرت هوشمند علیه جمهوری اسلام ی با هدف آنچه او با ما جلوگیری از دستیابی ایران به قدرت هسته ای نامید، اشاره داشت. پیش از آن نیز اوباما با وجود شعار ادعایی خویش به استفاده از چماق‌های سنگین تر و هویج های رنگین تر در برابر ایران اشاره کرده بود که در واقع تعبیر دیگری از همین قدرت هوشمند بود (سنایی‌راد، ۱۳۸۸). آمریکایی ها برآن بوده و هستند که در چارچوب قدرت هوشمند به جای خوشبینی، ترس را به جهان صادر کنند و یک‌جانبه گرایی رادیکال نومحافظه‌کاران را به چند جانبه گرایی اجماع محور و سپس به چندجانبه گرایی ارزش محور تبدیل سازند و از این طریق به مدیریت پتانسیل های جهانی برای نزدیک شدن به ایران با دو هدف تقابل کامل و مصالحه جامع احتمالی دست یابند (مطهرنیا، ۱۳۸۸). بنابراین اوباما در صدد بود تا با رویکرد قدرت هوشمند سیاستهای آمریکا را در قبال ایران پیگیری کند. قدرت هوشمند که از بررسی نقاط قوت و ضعف قدرت سخت و نرم و از برآیند این دو قدرت به وجود آمده، بر پنج پایه دیپلماسی، تحریم، برخورد نظامی، راهبردی با مردم - بر مردم و همکاری دیگر کشورها استوار بود.

تجزیه و تحلیل راهبرد دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۰-۲۰۱۷)

همانطور که اشاره شد رئیس جمهور ایالات متحده اعلام کرد توافق هسته‌ای با ایران در رفتار این کشور تاثیری نداشته است. ترامپ، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران و دستور بازگشت تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را صادر کرد. رئیس جمهور آمریکا می‌گوید جمهوری اسلامی بزرگترین دولت حامی تروریسم است، برنامه موشک بالستیک خود را برخلاف قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ادامه می‌دهد و عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه است. آزمایش‌های موشکی ایران پیش از این نیز با واکنش کشورهای غربی مواجه شده بود و آنها بارها از جمهوری اسلامی خواسته بودند تولید و آزمایش این موشک‌ها را متوقف کند. ایران طی سال‌های اخیر دست به انجام آزمایش‌های موشکی زده است که روی برخی از آنها به زبان‌های مختلف (از جمله عبری) شعار «نابودی اسرائیل» نقش بسته بود. (<https://ir.voanews.com/a/us-iran-trump>). مایک پمپو وزیر خارجه ترامپ با اعلام راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران، ۱۲ شرط ایالات متحده برای توافق با جمهوری اسلامی را برشمرد که در واقع فهرست خواسته‌های ایالات متحده از جمهوری اسلامی یا به عبارتی جزئیات تغییر رفتار رژیم ایران است. برخی از این شروط شامل توقف حمایت از تروریسم و خودداری از اقدامات مخرب در منطقه نظیر حمایت از حزب الله لبنان و دخالت در کشورهای منطقه است. پمپو ضمن اعلام فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی، اعلام کرد واشنگتن آماده مذاکره با تهران در صورت تغییر رفتار رژیم ایران است. مایک پمپو برای مذاکره با ایران برای رسیدن

به یک توافق جدید شرایطی را مطرح کرد که در واقع فهرست خواسته‌های ایالات متحده از جمهوری اسلامی یا به عبارتی جزئیات تغییر رفتار ایران بود، که به شرح زیر است:

- ۱ - ایران باید کلیه جزئیات ابعاد نظامی برنامه پیشین هسته‌ای خود را به آژانس انرژی اتمی اعلام کند.
- ۲ - ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و هرگز به دنبال فرآوری تولید پلوتونیم نرود؛ این شامل بستن رآکتور آب سنگین نیز می‌شود.
- ۳ - ایران باید به بازرسان آژانس اجازه بازرسی بدون محدودیت از همه مراکز و تاسیسات را در سراسر کشور بدهد.
- ۴ - توسعه برنامه موشکی بالیستیک ایران باید متوقف شود و پرتاب سامانه‌های موشکی جدید با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای، دیگر انجام نشود.
- ۵ - همه شهروندان آمریکا و همچنین شهروندان دیگر کشورهای دوست و متحد ما، که به اتهامات ساختگی در ایران زندانی هستند، باید آزاد شوند.
- ۶ - ایران باید از حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه خاور میانه - از جمله حزب الله لبنان، حماس و گروه فلسطینی جهاد اسلامی - دست بردارد.
- ۷ - ایران باید حاکمیت دولت عراق را به رسمیت شناخته و اجازه دهد شبه نظامیان شیعه آن کشور خلع سلاح و منحل شود و دوباره آنها را بسیج نکند.
- ۸ - ایران باید از حمایت نظامی از شبه نظامیان شیعه حوثی دست بردارد و به سمت دست یافتن به یک راه حل سیاسی مسالمت آمیز در یمن گام بردارد.
- ۹ - کلیه نیروهای نظامی تحت امر ایران در سراسر سوریه باید از آن کشور خارج شوند.
- ۱۰ - ایران باید به حمایت از طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی در افغانستان و منطقه، و پناه دادن به رهبران ارشد القاعده پایان دهد.

- ۱۱ - حمایت نیروی قدس سپاه پاسداران از تروریسم و متحدان شبه نظامی اش در سراسر جهان باید متوقف شود.
- ۱۲ - ایران همچنین باید به رفتار تهدیدآمیز در برابر همسایگانش (که بسیاری از آنها متحدان آمریکا هستند) پایان دهد، از جمله تهدید رژیم صهیونیستی به نابودی و پرتاب موشک به عربستان سعودی و امارات متحده عربی. این شامل تهدید کشتیرانی بین المللی و عملیات خرابکارانه سایبری نیز می‌شود. (<https://ir.voanews.com/a/us-pompeo-iran-strategy-demands>).

در ارزیابی نهایی راهبرد فشار همه جانبه ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران می‌توان چنین نتیجه گرفت: فرضیه طولانی مدت و اشتباهی که می‌توان ایران را از طریق فشارهای اقتصادی به زانو در آورد توسط رؤسای جمهور هر دو حزب به خصوص جمهوری خواهان قبلاً آزمایش و بکارگرفته شدند. دولت ترامپ نیز که بزعم خود یک برجام معیوب را به ارث برد با این وجود نتوانست با تمام فشارهای وارده خود مقاومت رهبری و مردم ایران را بشکند و

همچنین نتوانست کشورهای غربی را علیه ایران متحد کند و احتمالاً خودش ریاست جمهوری را بدون رسیدن به اهدافش و با اعتبار کم در منطقه، ترک خواهد کرد.

۶- نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تحلیل رویکردهای آمریکا در چهاردهه مقابله با جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفت، تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از منظر روش ترکیبی می‌باشد. در این تحقیق سوالات کلیدی مطرح و از جامعه خبرگان مطلع مورد مصاحبه قرار گرفت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل و ادبیات نشان داد، در طول حدود هفت دهه گذشته ایران و آمریکا در مناسبات دوجانبه خود با فراز و فرودهای بسیار روبه‌رو شده‌اند. از اتحاد راهبردی تا قطع روابط و درگیری نظامی را می‌توان در پرونده مناسبات این دو کشور مشاهده کرد. اشغال نظامی ایران در دوره جنگ جهانی دوم، حمایت از ایران در برابر شوروی، کودتا علیه دولت مصدق، فشار برای روی کار آوردن دولت‌های مدنظر، واگذاری نقش ژاندرم‌ری در منطقه جدید، تسخیر سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی، قطع روابط دیپلماتیک، ترغیب و همراهی با عراق برای حمله نظامی گسترده به ایران، تلاش مخفیانه برای بازسازی روابط (ماجرای مک فارلین)، درگیری نظامی محدود و کنترل شده در خلیج فارس، انهدام هواپیمای مسافربری ایران و تهدید ایران به انجام دادن اقدامات شدیدتر؛ اعمال تحریم‌های بیشتر، تلاش دوباره برای بازسازی روابط، تهدید به اقدام نظامی علیه ایران از سوی آمریکا بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر، قرار دادن نام ایران در لیست کشورهای یاغی، نام بردن از ایران به عنوان یکی از محورهای شرارت در جهان، انجام گفت‌وگوهای دیپلماتیک دوجانبه درباره عراق، فشارهای بین‌المللی بیشتر در پرونده هسته‌ای ایران و تلاش دوباره برای احیای مذاکرات و حل مسائل و مشکلات، حملات ویروسی به سیستم‌های رایانه‌ای ایران به ویژه سیستم رایانه‌ای نیروگاه اتمی بوشهر (ویروس استاکس نت)؛ توافق هسته‌ای برجام و خروج از آن و در نهایت اعمال شدیدترین فشارها و تحریم‌های اقتصادی گسترده توسط دونالد ترامپ سیاهه‌ای از مناسبات پر فراز و فرود دو کشور ایالات متحده آمریکا و ایران است.

شواهد حاکی از آن است که در دوره پس از انقلاب اقدامات آمریکا به دفعات امنیت ملی ایران را به خطر انداخته است. در حقیقت رویکردها و جهت‌گیری سیاست‌های خارجی دولت آمریکا در برابر ایران از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنی با ایران بوده است. در دهه اول انقلاب اسلامی، یعنی از سال ۱۳۶۷ - ۱۳۵۷ اقدامات آمریکا علیه ایران بیشتر نظامی و سخت‌افزاری بود و این سیاست رویکرد غالب دولتهای ایالات متحده آمریکا در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. پس از شکست ایالات متحده در اقدامات نظامی و کاربرد قدرت سخت‌افزاری در برابر ایران، این کشور گستره جدید حملات خود را که این بار به صورت نرم‌افزاری همراه شد، آغاز کرد. تجربه ناموفق آمریکا در بهره‌گیری از قدرت سخت در دستیابی به اهداف خود از یک سو و انقلاب

فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیچیدگی و تغییر فزاینده جهان از سوی دیگر موجب شده است که جنگ نرم و استفاده از ابعاد مختلف قدرت نرم و قدرت هوشمند علیه ایران در سرلوحه رویکرد تقابلی آمریکا با ایران قرار گیرد. آمریکا الگوهای رفتاری هژمونیک خود را بر پایه اصل رسالت یا ماموریت آمریکایی یا استثناگرایی آمریکایی مبتنی کرده است که پیامد قطعی آن مداخله‌گرایی از جنس نرم و سخت، است. بر همین اساس سیاست آمریکا در برابر ایران پس از ۱۱ سپتامبر آمیزه‌ای از شاخص‌های نرم و سخت است که یکی در مقام بستر ساز، مکمل و توجیه‌کننده دیگری عمل می‌کند. اوباما در صدد بود تا با رویکرد قدرت هوشمند سیاستهای آمریکا را در قبال ایران پیگیری کند. قدرت هوشمند که از بررسی نقاط قوت و ضعف قدرت سخت و نرم و از برآیند این دو قدرت به وجود آمده، بر پنج پایه دیپلماسی، تحریم، برخورد نظامی، راهبردی با مردم - بر مردم و همکاری دیگر کشورها استوار بود.

در نتیجه مقایسه رویکرد جمهوری خواهان و دمکرات‌ها معلوم می‌شود که اولاً دشمنی ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران محدود به دولت فعلی یا به صورت کلی‌تر محدود به جمهوری خواهان نیست و متوجه کل نظام سیاسی ایالات متحده در قبال ایران است بفرموده رهبر انقلاب: «نگوید اینها کار این دولت است و کار ترامپ است؛ نه! دولت قبل هم که با ما نشست، صحبت کرد و وزیر خارجه‌اش ۱۰ روز، ۱۵ روز در اروپا پایبند جلسات بود؛ آنها هم تقریباً همین جور بودند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: سخنرانی در جمع مسئولان نظام). دوم اینکه نحوه مواجهه ایران با آمریکا در این دشمنی، از نوع «واکنش» است نه «کنش»؛ به عبارت دیگر این نظام سیاسی آمریکاست که این منازعه و تخاصم را آغاز کرده است نه ایران: «برخی به مبارزه سخت و جنگ دشوار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی ایران با هجوم همه‌جانبه دشمنان معترضند و فکر می‌کنند جمهوری اسلامی ایران این جنگ را شروع کرده است اما این تصور نوعی غفلت است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: سخنرانی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری).

همچنین مستفاد از مصاحبه‌های به عمل آمده مهم‌ترین دلایل این تقابل ۴ دهه‌ای آمریکا علیه ایران مسئله رژیم صهیونیستی و لابی صهیونیسم، تفاوت‌های ماهوی در ایدئولوژی، توسعه منافع آمریکا در منطقه، بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای، ائتلاف برای مهار ایران در منطقه، ممانعت از دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه و ... عنوان نمود. از جمله هزینه‌های این تقابل برای جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان به موارد چون: آسیب دیدن روابط دیپلماتیک ایران، فشار و کنترل منطقه‌ای ایران، نامناسب‌سازی اقتصادی، فشارهای حقوق بشری، لطمه به تجارت بین‌المللی ایران با اعمال تحریم و ... اشاره نمود.

۷- پیشنهاد

برخی پیشنهادات اجرایی و کاربردی مستفاد از یافته‌های تحقیق و به منظور مقابله با رویکردهای تقابلی آمریکا عبارت است از:

- تلاش برای حفظ حساسیت و تنفر نسبت به غده سرطانی رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تقابلی دولت‌های مختلف آمریکا با ایران
- تداوم تلاش برای پایان دادن به حضور نظامی آمریکا در منطقه

- توسعه دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه با کشورها منطقه و فرامنطقه بویژه همسایگان برای کم‌اثرسازی سیاست انزوای ایران
 - تلاش برای تنوع شرکای اقتصادی و تأکید بر سیاست نگاه به شرق
 - توجه به حوزه افکار عمومی و تبیین شکست‌ها و پیامدهای مخرب حضور و اشغالگری امریکا در کشورها بویژه خروج خفت‌بار از افغانستان
 - تداوم حمایت و تقویت محور مقاومت و تبیین دلایل راهبردی این حمایت در امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران
- موضوع تحلیل رویکردهای آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، موضوعی بسیار پیچیده و با ابعاد آشکار و پنهان مختلفی است که علاوه بر ریشه‌های فکری، سیاسی، عقیدتی و ایدئولوژیک، سوابق تاریخی و تجارب حاصل از آنها در رابطه با کشورمان موثر است لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای تبیین ابعاد بیشتر این تحقیق موضوعاتی چون «تبیین فرهنگ مقاومت و الزامات آن برای تبدیل ایران به قدرتی در تراز جهانی»، «تبیین روش‌های برتری جمهوری اسلامی ایران بر آمریکا در صحنه‌های مختلف و ایجاد موضع مساوی در تعاملات»، «چگونگی تامین منافع کشورمان در برقراری روابط با آمریکا»، «الگوی روابط تامین‌کننده منافع دو کشور در حال و آینده»، «الگوی ایجاد وفاق ملی در جمهوری اسلامی ایران در مقابل با آمریکا» می‌توانند مورد تحقیق و پژوهش قرار گیرند و محققین با بررسی آنها به این موضوع راهبردی کمک نمایند.

فهرست منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی

- آقابخشی، علی. (۱۳۸۸). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- تولایی، محمد. (۱۳۸۷). *تحلیلی بر گفتمان هیئت حاکمه جدید آمریکا*، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- جعفرپور، رشید. (۱۳۸۷). *قدرت هوشمند آمریکا و راهبرد ها*، بتاريخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۲ مندرج در سایت:
- خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). *سخنرانی در دیدار مسئولان نظام ۹۷/۳/۲*، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.leader.ir.
- خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۶). *سخنرانی در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۶/۱۲/۲۴*، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.leader.ir.
- خداوردی حسن و فرزانه رحمتی. (۱۳۹۷). «*راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران*»، مطالعات سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۳۹.
- ذاکرافهانی، علیرضا. (۱۳۸۸). *چالش بنیادین اسلام با ماهیت دیپلماسی غرب*، مجله سیاست خارجی

پائیز ۱۳۸۸، سال ۲۳، شماره ۲۳.

- رهنورد، حمید و حیدری، محمدعلی. (۱۳۸۸). *عوامل تحول و ثبات در سیاست خارجی دولت اوپاما* "فصلنامه راهبرد، شماره ۵۱.
- ریگان، رونالد. (۱۳۶۹). *در کاخ سفید چه گذشت؟*، چاپ اول، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر البرز
- سایت راسخون. (۱۳۸۷). *روش ایران در قدرت نرم اثر گذار تر از آمریکا است*، بتاریخ ۱۳۸۷/۲/۷، مندرج در: <http://www.rasekhoon.net>
- سلیمانی پورلک، فاطمه. (۱۳۸۹). *قدرت نرم در راهبردی خاورمیانه ای آمریکا*، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- سنایی راد، رسول. (۱۳۸۸). *جایگاه تهدید نرم در قدرت هوشمند علیه ایران اسلامی*، روزنامه جوان، شماره ۲۸۱۷.
- سپهری یدالله، عباسی مصیب و حسینی آهنگری سیدحسن. (۱۳۹۸). «*پیامدهای تقابل ایران و آمریکا*»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲.
- سلیمانی پورلک فاطمه. (۱۳۸۹). *قدرت نرم در راهبردی خاورمیانه ای آمریکا*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شعبانی، محمدرضا و عبدالله هندیانی. (۱۳۸۷). *بسیج، شناخت و مدیریت تهدیدات نرم*، در قدرت نرم، جلد ۳، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۲). *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، چاپ دوم. تهران، سمت.
- عسگری، محمود. (۱۳۸۹). *رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم*، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸.
- فرهادی، محمد و مرادیان، محسن. (۱۳۸۷). *درک قدرت نرم با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- گلشن پژوه، محمود رضا. (۱۳۸۷). *جمهوری اسلامی و قدرت نرم*، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. نشرشادان.
- گودرزی سهیل، سلطانی نژاد احمد، زهرانی مصطفی و اسلامی محسن. (۱۳۹۶)، «*بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در پرتو فرهنگ راهبردی*»، مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۹

- مرسلی، فاطمه. (۱۳۸۸). *کانونهای فکری استکبار (معرفی عملکرد بنیادهای جنگ نرم)*، تهران، نشر اسرار قلم.
- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثار الله. (۱۳۷۸). *نفوذ و استحاله*، تهران، انتشارات سپاه.
- مطهر نیا، مهدی. (۱۳۸۸). *مفهومی به نام قدرت هوشیارانه*، سایت همشهری آنلاین، تاریخ ۸۸/۲/۷.
- موسوی، سید هاشم. (۱۳۸۷). *قدرت هوشمند؛ نبرد جدید امریکا علیه ایران*، به نقل از سایت رجاء نیوز، تاریخ ۸۷/۱۲/۲۶ (www.rajanews).
- نای، جوزف، الف. (۱۳۸۷). *قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نائینی، علی محمد. (۱۳۸۶). *تهدید نرم، ابعاد و ویژگیها*، تاریخ ۸۶/۱۲/۱۸ به نقل از سایت: (www.sanayenews.com).
- نائینی، علی محمد. (۱۳۸۹). *درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم*، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸.
- نگارش، حمید. (۱۳۸۰). *هویت دینی و انقطاع فرهنگی*، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- واعظی، حسن. (۱۳۸۱). *ایران و امریکا؛ بررسی سیاستهای امریکا در ایران*، تهران: انتشارات سروش.
- هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه. (۱۳۸۸). *جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی*. "فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم".
- مرسلی فاطمه. (۱۳۸۸). *کانونهای فکری استکبار (معرفی عملکرد بنیادهای جنگ نرم)*، تهران، نشر اسرار قلم.
- هادیان ناصر؛ احدی افسانه. (۱۳۸۸). *جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی*، "فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم".
- یوسفی محمد جویباری، قربانی گلشن آباد محمد و احمدی بابک. (۱۳۹۹). «ماهیت رویکرد مقابله جویانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه (۲۰۱۵-۲۰۰۱)»، مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۹، شماره ۱.

ب - منابع انگلیسی:

- Chuck Hagel, (۲۰۰۴) "*A Republican Foreign Policy*," Foreign Affairs, July/August .
- Dana H. Allin, Philip H (۲۰۰۳) Gordon and Michael E. O'Hanlon, "*The Democratic Party and Foreign Policy*," World Policy Journal, ۲۰۰۳, Spring,
- Jo Freeman, (۱۹۸۶) "*The Political Culture of the Democratic and Republican Parties*," Published in the Political Science Quarterly, Vol. ۱۰۱, No. ۳, Fall ۱۹۸۶,
- Nye, Joseph, S. (۲۰۰۴) "*Soft Power and American Foreign Policy*," Political Science Quarterly, Summer. Sullivan, Patrick (۱۹۸۲) Geopolitics Australia (۱۹۸۸) Croom Helm Ltd.
- Renewing America's Promise, (۲۰۰۸) *The Draft 2008 Democratic National Platform, Convention Platform Standing, Convention Committee, Inc., August*
- Republican Platform, (۲۰۰۸), at: [http://www.gop.com/pdf/Platform FINAL_WithCover.pdf](http://www.gop.com/pdf/Platform_FINAL_WithCover.pdf).
- William Keefe, (۱۹۹۸) Parties, Politics, and Public Policy in America, Congressional Quarterly, ۸th Edition.
- <https://ir.voanews.com/a/us-iran-trump/۴۷۵۱۶۷۴.html> .
- [https://ir.voanews.com/a/us-pompeo-iran-strategy-demands/ ۴۴۰۳۸۸ .html](https://ir.voanews.com/a/us-pompeo-iran-strategy-demands/۴۴۰۳۸۸.html) .

